

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ ۳



«مَا رَأَيْتُ شَيْئاً إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ مَعَهُ» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
چیزی را ندیدم مگر اینکه خدا را با او دیدم.

ای جمله جهان، در رُخِ جانِ بخشِ تو پیدا
وی روی تو در آینه کون هویدا
(شمس مغربی تبریزی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ
 عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ شگفتی‌های آفرینش

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 در آفرینش **فکر کنید** و در آفریدگار، فکر نکنید.

توضیح کلمات: تَفَكَّرُوا: فکر کنید، فعل امر «مصدر: تَفَكَّرَ» | لا تَفَكَّرُوا: تفکر نکنید، فعل نهی | الْخَالِقِ: اسم فاعل



الطَّائِرُ الطَّنَانُ: أصغرُ طائرٍ طوله خمسة سنتيمترات،
 مرغ مگس(مرغ مگس خوار) کوچک‌ترین پرنده روی زمین است،
 طول آن پنج سانتی‌متر است.
 يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَ الْأَسْفَلِ، وَ إِلَى الْيَمِينِ وَ الْيَسَارِ، وَ إِلَى الْأَمَامِ وَ الْخَلْفِ.
 او به بالا و پایین و راست و چپ و جلو و پشت پرواز می‌کند.
 إِنَّهُ يُحَرِّكُ جَنَاحَهُ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيبًا فِي الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ.
 یقیناً او **بالش** را تقریباً هشتاد بار در یک ثانیه حرکت می‌دهد.

توضیح کلمات: الطَّائِرُ: پرنده، اسم فاعل «جمع مکسر: طُيُور» | أصغرُ: کوچکترین، «اسم تفضیل»
 توضیح کلمات: يَطِيرُ: پرواز می‌کند، فعل مضارع | الْأَعْلَى: بالا ≠ الْأَسْفَلِ: پایین | الْيَمِينِ: راست ≠ الْيَسَارِ: چپ
 توضیح کلمات: الْأَمَامِ: جلو ≠ الْخَلْفِ: پشت
 توضیح کلمات: يُحَرِّكُ: حرکت می‌دهد، فعل مضارع «مصدر: تحريك» | جَنَاحِ: بال، «جمع مکسر: أَجْنِحَةٌ»



الْتِمْسَاخُ: بَعْدَ تَنَاوُلِ طَعَامِهِ يَفْتَحُ فَمَهُ،
 تمساح، بعد از خوردن غذایش **دهانش** را باز می‌کند.
فَيَدْخُلُ فِيهِ طَائِرٌ بِاسْمِ الزَّقْرَاقِ،
 پس پرنده‌ای به نام **زقراق** «مرغ باران» در آن وارد می‌شود،
 وَ يَأْكُلُ بَقَايَا الطَّعَامِ.
 و باقی مانده‌های غذا را می‌خورد.

توضیح کلمات: تَنَاوُلُ: خوردن، «مصدر» | طَعَامُ: غذا، «جمع مکسر: أَطْعِمَةٌ» | يَفْتَحُ: باز می‌کند، فعل مضارع
 توضیح کلمات: يَدْخُلُ: وارد می‌شود، فعل مضارع | فَمُ: دهان «جمع مکسر: أفواه» | يَأْكُلُ: می‌خورد، فعل مضارع
 توضیح کلمات: بَقَايَا: باقیمانده، جمع مکسر «مفرد مونث: بَقِيَّةٌ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش



السَّمَكُ الطَّائِرُ يَقْفُزُ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذَنْبِهِ الْقَوِيِّ،

ماهی پرنده، با حرکت دم نیرومندش می‌جهد «می‌پرد»)

وَ يَطِيرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ لِلْفِرَارِ مِنْ عَدُوِّهِ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً.

و برای فرار از دشمنش چهل و پنج ثانیه

بر فراز سطح آب پرواز می‌کند.

توضیح کلمات: السَّمَكُ: ماهی «جمع مکسر: أسماك» يَقْفُزُ: می‌پرد، فعل مضارع ذَنْبُ: دم «جمع مکسر: أذنان»

توضیح کلمات: الْقَوِيُّ: نیرومند، «جمع مکسر: الأقوياء» فَوْقَ: بالا/تحت: زیر الْمَاءُ: آب، «جمع مکسر: المياه»



نَقَرُ الْخَشَبِ: طَائِرٌ يَنْقُرُ جُدْعَ الشَّجَرَةِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْل.

دارکوب: پرنده‌ای است که تنه درخت را دست کم ده بار سوراخ می‌کند.

توضیح کلمات: يَنْقُرُ: سوراخ می‌کند، فعل مضارع جُدْعُ: تنه «جمع مکسر: جُدوع» الشَّجَرَةُ: درخت، «جمع: شجرات»



السَّنَجَابُ الطَّائِرُ لَهُ غِشَاءٌ كَالْمِظَلَّةِ،

سنجاب پرنده: پوششی مانند چتر دارد،

يَفْتَحُ حِينَ يَقْفُزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى.

که هنگامی که از درختی به درخت دیگر می‌جهد آن را باز می‌کند.

توضیح کلمات: غِشَاءٌ: پوشش «جمع مکسر: اغشية» الْمِظَلَّةُ: چتر «جمع: مظلات» أُخْرَى: دیگر، «مذکر: آخر»



حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ: عِنْدَ شِدَّةِ الْحَرَارَةِ، تَضَعُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ،

مار بیابان: هنگام شدت گرما، دمش را در ماسه قرار می‌دهد؛

ثُمَّ تَقْفُ كَالْعَصَا. سَيْسَ مَائِدًا عَصَا مَيَّاسِيَّةً.

فَعِنْدَمَا يَقْفُ طَائِرٌ عَلَى الْعَصَا، تَصِيدُهُ.

و هنگامی که پرنده‌ای روی آن می‌ایستد، آن را صید می‌کند.

توضیح کلمات: حَيَّةٌ: مار «جمع مونث: حيات» الصَّحْرَاءُ: بیابان «جمع مکسر: صحار» تَضَعُ: قرار می‌دهد، فعل مضارع

توضیح کلمات: الرَّمْلُ: شن «جمع مکسر: رمال» تَقْفُ: می‌ایستد، فعل مضارع تَصِيدُ: صید می‌کند، فعل مضارع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

الْمُعْجَم

زَقَزَقَ: مرغ باران.	أَسْفَلَ: پایین، پایین تر ≠ أعلى
طَنَّان: مرغ مگس.	تَصِيدُ: صید می کند. (ماضی: صَادَ)
عِشَاء: پوشش.	تَفَكَّرُوا: فکر کنید.
فَم: دهان.	جَنَاح: بال.
مِظَلَّة: چتر.	ذَنْب: دم.
يَطِيرُ: پرواز می کند. (ماضی: طَارَ)	رَمَلَ: ماسه.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱. بِمَ يَفْقَرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى؟ بِعِشَاءٍ كَالْمِظَلَّةِ.
با چه چیزی سنجاب پرنده از درختی به سوی درختی دیگر می‌پرد؟ با پوششی شبیه چتر.
۲. كَمْ مَرَّةً يَنْقُرُ نَقَارُ الْخَشَبِ جُدْعَ الشَّجَرَةِ فِي الثَّانِيَةِ؟ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ.
چند بار در ثانیه دارکوب تنه درخت را سوراخ می‌کند؟ ده بار در ثانیه.
۳. أَيْنَ تَضَعُ حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ ذَنْبَهَا عِنْدَ شِدَّةِ الْحَرَارَةِ؟ فِي الرَّمْلِ.
مار بیابان دم‌ش را هنگام شدت گرما کجا قرار می‌دهد؟ در ماسه.
۴. كَيْفَ يَطِيرُ السَّمَكُ الطَّائِرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ؟ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذَنْبِهِ الْقَوِيِّ.
چگونه ماهی پرنده بر فراز سطح آب پرواز می‌کند؟ با حرکت دم نیرومندش.
۵. مَا اسْمُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدْخُلُ فَمَ التَّمْسَاحِ؟ الزَّقَزَاقِ.
نام پرنده‌ای که وارد دهان تمساح می‌شود، چیست؟ مرغ باران.
۶. مَا هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ فِي الْعَالَمِ؟ الطَّائِرُ الطَّنَّانُ.
کوچکترین پرنده در جهان کدام است؟ مرغ مگس.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ
 عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

حوار (مع الطیب)

گفتگویی با پزشک

الطیب: پزشک	المریض: بیمار
ما یک؟ چه شده؟ (تو را چه شده است؟)	أشعرُ بِألمٍ في صدري وَ عِندي صداعٌ. احساس درد در سینه‌ام دارم، و سردرد دارم.
أضغَطُ الدَّمِ عِنْدَكَ أم مَرَضُ السُّكَّرِ؟ آیا فشار خون داری یا بیماری قند؟	ما عِندي ضَغَطُ الدَّمِ وَ لا مَرَضُ السُّكَّرِ. فشار خون و بیماری قند ندارم.
بَعْدَ الفَحْصِ : بعد از معاینه	
أنت مُصابٌ بِزُكامٍ وَ عِنْدَكَ حُمى شَدِيدَةٌ. أكتبُ لكَ وَصْفَةً. تو دچار سرماخوردگی و تب شدیدی داری.	شُكراً يا حَضْرَةَ الطَّيِّبِ. متشکرم، جناب دکتر.



ألم : درد مُصاب : دچار زُكام : سرماخوردگی شدید حُمى : تب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

اعلموا

اسم المكان

«اسم مكان» بر مكان دلالت دارد و بیشتر بر وزن «مفعَل» و گاهی بر وزن «مفعِل» و «مفعلة» است؛ مثال:

مَطْبَعُ: آشپزخانه	مَصْنَعُ: کارخانه	مَطْعَمُ: رستوران	مَلْعَبُ: ورزشگاه
مَطْبَعَةُ: چاپخانه	مَكْتَبَةُ: کتابخانه	مَنْزِلُ: خانه	مَحْمِلُ: کجاوه

جمع اسم مكان بر وزن «مفاعِل» است؛ مانند: مَدَارِسُ، مَلَاعِبُ، مَطَاعِمُ و مَنَازِلُ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱) : تَرَجِمِ الْآيَةَ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱. ﴿... وَ جَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ النَّحْلُ: ۱۲۵

با بهترین شیوه با آنان بحث کن. قطعاً پروردگار تو به کسی که از راه او گمراه شده است. داناتر است.

توضیح کلمات: جادل: بحث کن، فعل امر «مصدر: مُجَادَلَةٌ» | هی: ضمیر منفصل مونث

توضیح کلمات: احسن: بهترین، اسم تفضیل | هو: ضمیر منفصل مذکر | اعلم: داناتر، اسم تفضیل

۲. كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُور فِي خُوزِسْتَانِ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

کتابخانه جندی شاپور در خوزستان بزرگترین کتابخانه جهان در زمان قدیم بوده است.

توضیح کلمات: مکتبته: کتابخانه، اسم مکان «جمع: مکاتب» | اکبر: بزرگترین، اسم مکان



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲) : عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

۱	مطابخ: رستوران‌ها	مطبوخ: پخته شده	طبّاخ: آشپز	طبّخ: پختن
۲	حاکم: قاضی	مَحْكَمَة: دادگاه	مَحْكُوم: محکوم شده	مُحَاكَمَة: رسیدگی قضایی
۳	جُلُوس: نشستن	مُجَالَسَة: همنشینی کردن	مَجْلِس: جای نشستن	جَلْسَة: گردهمایی
۴	مَعْبُود: عبادت شده	عابد: عبادت کننده	عِبَادَة: کِشْت	مَعْبَد: مکان عبادت
۵	مُخْرَج: خارج کننده	إِخْرَاج: خارج کردن	خُرُوج: خارج شدن	مُخْرَج: مکان خروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

التَّمَارِين

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ : تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱. تَسْقُطُ أَسْنَانُ سَمَكِ الْقِرْشِ دَائِماً وَ تَنْمُو أَسْنَانُ جَدِيدَةً مَكَانَهَا. وَ فِي بَعْضِ أَنْوَاعِهِ تَنْمُو آلَافُ الْأَسْنَانِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.

دندان‌های **کوسه‌ماهی** پیوسته می‌افتند و دندان‌های تازه‌ای جای آن **می‌رویند**، و در برخی گونه‌هایش هزاران دندان در یک سال می‌روید.



الْمَطْلُوبُ:

مفرد «أسنان»: سِنَّ.

مفرد «آلاف»: أَلْف.

مترادف «سنة»: عَام.

توضیح کلمات | تَسْقُطُ: می‌افتد، فعل مضارع | تَنْمُو: می‌روید، فعل مضارع | أنواع: گونه‌ها، جمع مکسر «مفرد: نوع»

۲. الْحُوتُ الْأَزْرَقُ أَكْبَرُ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْعَالَمِ. يَبْلُغُ طَوْلَهُ ثَلَاثِينَ مِتْراً وَ وَزْنَهُ مِئَةً وَ سَبْعِينَ طَنّاً تَقْرِيباً.

نهنگ آبی بزرگترین **جاندار زنده** در جهان به شمار می‌رود. بلندی آن به سی متر و وزنش تقریباً به یکصد و هفتاد تن می‌رسد.



الْمَطْلُوبُ:

اسم تفضیل: أَكْبَرُ.

اسم مفرد مؤنث: الْحَيَّةِ.

فعل مضارع: يَبْلُغُ.

توضیح کلمات | الْأَزْرَقُ: آبی | الْكَائِنَاتِ: جانداران «مخلوقات»، جمع مؤنث، «مفرد: الكائن»

۳. أَلْتَمْسَاخُ لَا يَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِيْسَتِهِ، بَلْ عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيْسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ تُفْرَزُ عَيْوُنُهُ سَائِلاً كَأَنَّهُ دُمُوعٌ.

تمساح هنگام **خوردن شکارش**، اشک نمی‌ریزد، بلکه هنگامی که شکاری را می‌خورد که بزرگ‌تر از دهانش است، از چشمانش مایعی ترشح می‌کند که گویی اشک است.



الْمَطْلُوبُ:

مترادف «أكل»: تَنَاوَلَ.

اسم جمع مکسر: عَيْوُنُ، دُمُوعٌ.

جمع «دَمْع»: دُمُوعٌ.

توضیح کلمات: لَا يَبْكِي: گریه نمی‌کند، مضارع منفی «لَا يَبْكِي ≠ لَا يَضْحَكُ» / فَرِيْسَةً: طعمه «جمع مکسر: فرانس»
يَأْكُلُ: می‌خورد، فعل مضارع / أَكْبَرَ: بزرگتر، اسم تفضیل، «أَكْبَرُ ≠ أَصْغَرُ» / تُفْرَزُ: ترشح می‌کند، فعل مضارع
عَيْوُنُ: چشم‌ها، جمع مکسر «مفرد: عَيْن» / سَائِلاً: مایع، اسم فاعل / دُمُوعٌ: اشک‌ها، جمع مکسر «مفرد: دَمْع»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ
 عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

۴. **لَهَجَاتُ** نَوْعٍ وَاحِدٍ مِنَ الطُّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مَنطِقَةٍ إِلَى مَنطِقَةٍ أُخْرَى.

لهجه‌های گونه‌ای از پرندگان، از یک سرزمین به سرزمینی دیگر، تفاوت دارد.

المطلوب:

جمع مکسر: **الطُّيُورِ**.

جمع مؤنث سالم: **لَهَجَاتُ**.

جمع «منطقه»: **مَنَاطِقُ**.



توضیح کلمات: | نوع: گونه، «جمع مکسر: انواع» | الطُّيُورِ: پرندگان، «مفرد: طَير» | **تَخْتَلِفُ**: تفاوت دارد، فعل مضارع

۵. **الْخَفَاشُ** هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الْوَحِيدُ الّی يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ.

خفاش تنها جانور پستانداری است که می‌تواند پرواز کند.

المطلوب:

فعل مضارع: **يَقْدِرُ**.

جمع «حیوان»: **حَيَوَانَاتُ**.

ضمیر منفصل: **«هُوَ»**



توضیح کلمات: | **الْخَفَاشُ**: مفرد مذکر «جمع مکسر: خفافیش» | **هُوَ**: ضمیر منفصل | **يَقْدِرُ**: می‌تواند، فعل مضارع

فَرِيَسَةٌ: شکار، طعمه.

سَمَكُ الْقَرَشِ: کوسه ماهی.

تُفْرِزُ: ترشح می‌کند. (ماضی: **أَفْرَزَ**)

تَنَمُو: رشد می‌کند.

سَائِلُ: مایع.

حوت: نهنگ.

لَهَجَاتُ: لهجه‌ها «مفرد: **لَهْجَةٌ**».

كائِن: موجود.

لَبُونُ: پستاندار.

حَيٍّ: زنده «جمع: **أَحْيَاءُ**».

وَحِيدُ: تنها.

يَبْلُغُ: می‌رسد.

طَيْرَانُ: پرواز کردن.

طَنُّ: تَن.

أَكَلَ: خوردن = **تَنَاوَلَ**.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

الْتَّمِرِينَ الثَّانِي : عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱. «الْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الْكَلَامُ كَثِيرُ الْعَمَلِ». الْإِمَامُ الْكَاظمُ عليه السلام «مومن کم حرف و پُرکار است.»

کم گوی و گزیده گوی چون دُر تا ز اندک تو جهان شود پُر (نظامی گنجوی)

توضیح کلمات: الْمُؤْمِنُ: «جمع مذکر سالم: مؤمنون، مؤمنین» | قَلِيلٌ : اندک ≠ کثیر: زیاد

توضیح کلمات: الْعَمَلُ: اسم مفرد مذکر، «جمع مکسر: الأعمال»

۲. الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله «دانای بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.»

علم کز اعمال نشانیش نیست کالبدی دارد و جانیش نیست (امیر خسرو دهلوی)

توضیح کلمات: الْعَالِمُ: اسم مفرد مذکر، «جمع مکسر: العلماء» | الشَّجَرُ: اسم مفرد، «جمع مکسر: الأشجار»

توضیح کلمات: ثَمَرٌ: اسم مفرد مذکر، «جمع مکسر: أثمار»

۳. أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ، كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله
«پروردگام مرا به مدارا کردن با مردم امر فرمود، همانگونه که مرا به انجام واجبات، امر فرمود.»

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا (حافظ شیرازی)

توضیح کلمات: أَمَرَ: فرمان داد، فعل ماضی | الْفَرَائِضُ: واجبات، جمع مکسر، «مفرد: الفريضة»

۴. عداوةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام «دشمنی خردمند بهتر از دوستی نادان است.»
دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود (نظامی گنجوی)

توضیح کلمات: عداوة: دشمنی ≠ صداقة: دوستی | الْعَاقِلُ: خردمند ≠ الْجَاهِلُ: نادان | خَيْرٌ: بهتر، اسم تفضیل

۵. الدَّهْرُ يَوْمَانِ، يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام

«روزگار، دو روز است، روزی به سود تو و روزی به زیان تو.»

روزگارست آن که گه عزت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر ازین بازیچه‌ها بسیار دارد (قائم مقام فراهانی)

توضیح کلمات: الدَّهْرُ: روزگار، «جمع مکسر: الدُّهُور» | يَوْمَانِ: دو روز، اسم مثنی «مفرد: يَوْمٌ»

۶. خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله «بهترین امور، میانه‌ترین آنها است.»

اندازه نگه دار که اندازه نکوست هم لایق دشمن است و هم لایق دوست (سعدی شیرازی)

توضیح کلمات: خَيْرٌ: بهترین، اسم تفضیل | الْأُمُورُ: جمع مکسر، «مفرد: الأمر» | أَوْسَطُ: میانه‌ترین، اسم تفضیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ وَ أَحَادِيثٍ حَوْلَ خَلْقِ اللَّهِ.



۱. ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا * وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا﴾ (النبا: ۶ - ۷)

آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟! و کوه‌ها را میخ‌هایی (برای زمین)؟

۲. امام صادق علیه السلام عليه السلام: «ارزَعُوا وَاغْرِسُوا وَاللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَجَلًا وَلَا أُطِيبَ مِنْهُ.»

کشت کنید و درخت بنشانید؛ به خدا قسم آدمیان کاری برتر و پاک‌تر از این نکرده‌اند.

۳. ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ

سُودٌ﴾ (فاطر: ۲۷)

آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد و با آن میوه‌هایی که رنگ‌های آنها گوناگون است، بیرون آوردیم و از برخی کوه‌ها، راه‌های سپید و گلگون به رنگ‌های مختلف و سیاه پر رنگ «آفریدیم»؟

۴. ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (بقره: ۲۵)

و به کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک کرده‌اند، مژده بده که برای آنها بهشت‌هایی است که از زیر آنها جوی‌ها روان است.

۵. ﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ﴾ (ق: ۹)

و از آسمان آبی پر برکت نازل کردیم و بوسیله آن باغ‌ها و دانه‌های درو شدنی رویاندیم.

۶. ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا * أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا * وَالْجِبَالَ أُرْسَاهَا﴾ (النازعات: ۳۰ - ۳۲)

و پس از آن زمین را با غلتانیدن گسترد * آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد * و کوه‌ها را ننگر آن گردانید.